

اشرافیگری؛ چالشی هویتی در جمهوری اسلامی

اصغر عالمیان: گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد. اصفهان. ایران

(مربی؛ عضو هیأت علمی گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان))

a.alemian@khuif.ac.ir

مسعود راعی دهقی: گروه حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد. اصفهان. ایران،

دانشیار؛ عضو گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد

m.raei@phu.iaun.ac.ir

چکیده

انقلاب اسلامی ایران، نهضتی مردمی - اسلامی است که اهداف مهمی را برای پیشرفت انسان و جامعه دنبال می کند. گرایش به اشرافیگری می تواند هستی پذیری برخی از مقاصد متعالی جمهوری اسلامی را با چالش مواجه کند. تمایل به تجمل گرایی، در لایه هایی از صاحبان قدرت، می تواند نوعی از حکمرانی غیر علوی را به نمایش گذارد و مشی غیر الهی و غیر مردمی این سبک از رفتار قادر است مشکلاتی را در مسیر تحقق اهداف انقلاب اسلامی ایجاد کند. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بررسی دیدگاه ها، سعی در بازشناسی آسیب های گرایش به اشرافیگری دارد. ارائه تعریفی مشخص از اشرافیت و کاوش راهی برای رفع این آفت و اجتناب از آن؛ از گذرگاه فرهنگ سازی عمومی، توسعه نظارت مردمی و رسانه ای و جایگیری عنصر ساده زیستی، به عنوان یکی از مولفه های اصلی برای حضور در سمتهای جمهوری اسلامی، از جمله اهداف این پژوهش است.

واژگان کلیدی

جمهوری اسلامی، اشرافیگری، عدالت اجتماعی، فساد، امنیت ملی

مقدمه

انقلاب اسلامی پدیده‌ای تحول‌ساز در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مبتنی بر آموزه‌های ناب اسلامی است که در سالهای پایانی قرن نوزدهم و در آستانه قرن بیستم میلادی توانست با تکیه بر حضور کارآمد مردم مسلمان ایران، به مقابله با ناهنجاری‌ها برخیزد و پس از مبارزه طولانی به رهبری مرجعیت عالی شیعه، به پیروزی دست یابد. این انقلاب در دو جبهه؛ چه در مبارزه با استبداد سلطنت داخلی و چه در رویارویی با استیلاجویان خارجی، عملاً به تقابل با گفتمانی انحرافی و دیرپا پرداخته است.

مبارزه با اشرافیت و تحقق عدالت اجتماعی از اهداف مهم انقلاب اسلامی است. عدالت اجتماعی، بدین معنا که فاصله ژرف میان طبقات و برخورداری‌های نابحق و محرومیت‌ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئن‌ترین و وفادارترین مدافعان اسلام و انقلاب اند، مشاهده کنند که حرکت به سمت رفع محرومیت، حرکتی جدی و صادقانه است.

آسیب جدی اشرافیگری، به چالش کشیده شدن اهداف انقلاب اسلامی در سمت و سوی اهداف عدالت‌خواهانه است. اگر تفکر اشرافیگری با همین شتاب در میان زمامداران، گسترش و نفوذ یابد بدلیل قربانی شدن عدالت اجتماعی، بی‌تردید میان مردم و حاکمیت فاصله و شکاف ایجاد خواهد شد. نادیده انگاشتن شعارها و دستاوردهای انقلاب اسلامی، جلوه‌گری‌های بی‌عدالتی و تبعیض، تعریض بی‌اعتمادی عمومی، سستی در پایه‌های مردمی حاکمیت و در نهایت براندازی معنوی نظام اسلامی، از مهم‌ترین گزندهای‌های گرایش به اشرافیگری است و حتی در خطری جدی‌تر و محتمل، بروز اشتراک منافع و همدستی میان جریان اشرافیت سیاسی داخل با دشمنان کهنه‌ی و دیرین مردمسالاری دینی، به صورت پنهان و آشکار، است. کما اینکه در فتنه‌ها اینگونه شد و همچنان که سابق بر این نیز در جمل و کربلای حسینی(ع) آنگونه شد.

اما اشرافیگری چیست؟ اشرافیگری سبکی از زندگی مبتنی بر رفتار ملوکانه و گرایش افراطی به تجملات و دل‌بستن به مطامع دنیوی و آزمندی بی‌انتها در زبردستی و تصرفات مادی است. پدیده‌ای ضد عدالت که سنگ بنای ظلم و تعدی به حقوق مردم و نقطه مقابل عدالت اجتماعی است.

اشرافیت در فرهنگ اجتماعی به معنای بالاترین طبقه اجتماعی در یک نظام فئودالی است. در حقیقت اشراف - که گاه از آن به نجباء نیز تعبیر می‌شود - همان صاحبان ثروت و قدرت هستند که در بالاترین رسته اجتماعی قرار گرفته‌اند. (رفیع پور، ۱۳۷۷) (آنتونی گیدنز، ۱۳۷۶: ۲۳۸) اشرافیت یکی از پدیده‌های اجتماعی است که در

طول تاریخ جوامع بشری به اشکال مختلف بروز و ظهور یافته و همواره به عنوان یکی از آفت های اصلی جامعه و برخی نظام های سیاسی بوده و عدم جلوگیری از تجمل گرایی و اشرافیت به ویژه در بین مسئولین و زمامداران یک حکومت، باعث بروز مشکلات فراوان برای آن جامعه و بی اعتمادی بین مردم و مسئولین و در برخی موارد منجر به ساقط شدن نظام سیاسی حاکم از سوی مردم شده است. (بشارت، منصور، ۱۳۹۶: basirat.ir)

مهدی اسلام پناه، مسعود آزاد (۱۳۹۶) در مقاله ای با عنوان «توسعه فرهنگ اشرافیگری و تجمل خواهی زمینه ساز فساد اداری و اقتصادی» (همایش آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران)، ساده زیستی مسئولان و کارگزاران نظام و برخورداری آنان از بیت المال در حد متعارف را، از نشانه های اصلی در حرکت مبتنی بر عدالت محوری مسئولان و کارگزاران دانسته و هر نوع فاصله گرفتن از ساده زیستی و در نتیجه برخوردار شدن غیرمتعارف از بیت المال و حرکت به سمت یک زندگی اشرافی توأم با تجمل گرایی و عافیت طلبی را، تضعیف و سقوط انقلاب و نظام اسلامی برآورد نموده اند.

جبار شجاعی (۱۳۹۳) در مقاله ای با عنوان زیست اشرافی از منظر قرآن، بیان می کند از اسباب نابودی تمدن ها در نگاه قرآن، همین زندگی اشرافی است. حال تصور شود که این اشرافیت دقیقاً در عرصه ای وارد شود که قرار است جامعه که مصداق خارجی این تمدن است را اداره کند. نتیجه چیزی جز شتاب بیشتر این نابودی نخواهد بود. از آنجایی که بسیاری از متنعمان و ثروتمندان، غرق شهوات و هوس ها می شوند، واژه ی «مترفین» در قرآن به معنی کسانی است که مست و مغرور به نعمت شده و طغیان کرده اند و مصداق آن در بیشتر موارد پادشاهان و جباران و ثروتمندان مستکبر و خودخواه است؛ آن دسته از افرادی که با قیام انبیا، به دوران خودکامگی شان پایان داده شده و منافع نامشروعشان به خطر می افتاد و مستضعفان از چنگال آن ها رهایی می یافتند و به همین دلیل، با انواع حيله ها و بهانه ها، به تخدیر و تحمیق مردم می پرداختند و امروزه نیز بیشترین فساد دنیا از همین «مترفین» سرچشمه می گیرد. لذا می توان گفت که از جمله ی خطرناک ترین امراض برای یک جامعه، وجود اشرافی است که در عملکرد خود به حداقل های حقوق انسانی اسلام پایبند نیستند؛ چراکه هم به نوعی سدکننده ی مسیر رو به جلوی تعالیم اسلامی اند و هم سنت سیئه می سازند که پیامدهای نه چندان مطلوبی را به دنبال خواهد داشت. (شجاعی، ۱۳۹۷: ۲۰)

هدف کلی این مقاله، تبیین و بررسی مقوله اشرافیگری و علل گرایش برخی مسئولان و زمامداران به اشرافیت و کاخ نشینی و نشان دادن آسیب های احتمالی آن به عنوان علت اصلی عدم دستیابی به عدالت اجتماعی و پدیده ای ناسازگار با نظام دینی و مردمی جمهوری اسلامی است. در این پژوهش در عناوین جداگانه ای به بررسی

خصائص مردمی بودن، عدالت خواهی و بنیادهای آرمانی جمهوری اسلامی در قانون اساسی پرداخته ایم و به اجمال، خطرات و آسیب های اشرافیگری در ابعاد نفی عدالت اجتماعی، گسترش فساد اداری و اخلال در امنیت ملی را مورد بررسی قرار داده ایم. در پایان هم در قالب نتیجه گیری از این تحقیق، نکاتی را در ضرورت ها و راهکارهای مقابله با پدیده اشرافیگری بیان کرده ایم.

۱. جمهوری اسلامی

بدون تردید یکی از اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی در مسیر حاکمیت توحید و تحقق استقلال و آزادی، پایان دادن به بی عدالتی و گام نهادن در مسیر توسعه و پیشرفت جامعه مبتنی بر عدالت اجتماعی بوده است. احساس عدالت یکی از شاخصه های اصلی رفاه اجتماعی در دنیای امروز می باشد. در نگرش امام خمینی (قدس سره) نیز به عنوان بنیانگذار جمهوری اسلامی، عدالت، ویژگی قوانین سیاسی و اجتماعی، گروهها و نهادهای اجتماعی - سیاسی و مهمتر از آن، خصلت و ویژگی جامعه انسانی است. ایشان یکی از ویژگی های مهم و اصلی حکومت جمهوری اسلامی را، تحقق عدالت می داند. از موانع برقراری عدالت اجتماعی در جامعه اسلامی، می توان به رواج اشرافیگری اشاره کرد.

الف) خصلت مردمی جمهوری اسلامی

نهضت امام خمینی (ره) که با همراهی مستضعفان به پیروزی انقلاب اسلامی منجر شد، پیروزی مظلومان بر مستکبرین را رقم زد. در این راستا جمهوری اسلامی ایران از همان ابتدای پیروزی انقلاب بر اعاده حقوق مستضعفین از مستکبران تلاش کرده است و این ایدئولوژی انقلاب در تمامی تصمیم سازی های نظام اسلامی جریان دارد. (اسماعیلی، حمیدرضا، ۱۳۸۹: ۱۳)

مردمی بودن نظام سیاسی جمهوری اسلامی اقتضاء دارد مسئولان آن، در عمل و رفتار و سبک زندگی مادی، مانند مردم عادی باشند نه آنکه رسیدن به مناصب را فرصتی برای دنیاطلبی و مال اندوزی بدانند و از طبقات عمومی مردم، فاصله بگیرند.

جمهوری اسلامی دو جزء دارد: جمهوری است، یعنی مردمی است؛ اسلامی است، یعنی بر پایه ارزشهای الهی و شریعت الهی است. مردمی است، یعنی مردم در تشکیل این نظام، در بر روی کار آوردن مسئولان این نظام نقش دارند، پس مردم احساس مسئولیت می کنند؛ مردم برکنار نیستند. مردمی است، یعنی مسئولان نظام از مردم و نزدیک به مردم باشند، خوی اشرافی گری، خوی جدائی از مردم، خوی بی اعتنائی و تحقیر مردم در آنها نباشد. ملت ما قرنهای متمادی خوی اشرافی گری را، استبداد و دیکتاتوری را در حاکمان نابحق این کشور تجربه کرده

و دوران جمهوری اسلامی دیگر نمی تواند این جور باشد. دوران جمهوری اسلامی یعنی دوران حاکمیت آن کسانی که از مردمند، با مردمند، منتخب مردمند، در کنار مردمند، رفتارشان شبیه رفتار مردم است. این، معنای مردمی است. (خامنه ای، سید علی، ۱۵ مهر ۱۳۸۸، بیانات: khamenei.ir)

ب) عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی

در مکتب سیاسی حضرت امام، عدالت اجتماعی جایگاه و اهمیتی بس والا دارد. در این مکتب، تحقق عدالت اجتماعی، هدف بعثت انبیا و انقلاب اسلامی و مبارزه با رژیم طاغوت و راز دشمنی استکبار بوده است و بی توجهی به آن عواقب شومی را برای حکومت و ثروت اندوزان به دنبال می آورد. براساس این مکتب، در حکومت و جامعه باید تمامی اقشار جامعه از حقوق برابر برخوردار و همه در برابر عدالت مساوی باشند و قانون و موازین قانونی بر آن حاکم بوده، مسئولان در صدد جلب امتیازات ویژه برای خود نباشند و همواره با خدمتگزار مردم دانستن خود، به دنبال پر کردن شکافهای طبقاتی به نفع محرومان باشند.

عدالت محوری شعار اصلی و محوری نظام جمهوری اسلامی است. این شعار شاخص اصلی برای سنجش حرکت نظام و مسئولان آن در مسیر صحیح مبنی بر مبانی، اصول، آرمان ها و اهداف انقلاب اسلامی می باشد. ساده زیستی مسئولان و کارگزاران نظام و برخورداری آنان از بیت المال در حد متعارف، یکی از نشانه های اصلی در حرکت مبتنی بر عدالت محوری مسئولان و کارگزاران است. بدیهی است که هر نوع فاصله گرفتن از ساده زیستی و برخوردار شدن غیر متعارف از بیت المال و سوگیری به سمت یک زندگی اشرافی توأم با تجمل گرایی و عافیت طلبی، نتیجه ای جز «ذبح عدالت» به عنوان اصلی ترین شعار انقلاب و نظام اسلامی در پی نخواهد داشت. (اسلام پناه، مهدی، ۲۰ شهریور ۱۳۹۵، چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران)

مسئولان در نظام اسلامی نمی توانند این تصور را داشته باشند که چون مسئولان در کشورهای دیگر از امکانات گوناگون برخوردارند، پس در نظام اسلامی نیز چنین مواردی مباح است... در جمهوری اسلامی ما با نام اسلام به دنبال حکومت پیامبر اسلام (ص) و امیرالمومنین (ع) هستیم، بنابراین باید با روحیه اشرافی گری و شهوترانی به شدت مقابله شود. (امام خامنه ای، ۱۳۹۷)

ج) اهداف جمهوری اسلامی در قانون اساسی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی در موارد متعدد بر ضرورت رعایت عدالت، نفی ستمگری و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری و تحقق قسط و عدل و استقلال در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ایجاد رفاه و رفع فقر و محرومیت تأکید شده است. (قانون اساسی، اصول دوم و سوم) در متن قانون اساسی بارها از مجموعه واژه‌های عادل (اصول ۱۵۸، ۵ و ۱۶۲)، قسط و عدل (اصول ۲ و ۱۴)، عادلانه (اصل ۳)، حق (اصول ۲۹ و ۳۱)، شرایط مساوی (اصل ۲۸)، ریشه‌کن ساختن فقر و محرومیت (اصل ۴۳)، عدالت (اصل ۱۶۵) و نظایر آن استفاده شده است. (پور عزت، علی اصغر، ۱۳۸۶: ۷۸)

قانون اساسی بر رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه و پی‌ریزی اقتصاد عادلانه تأکید داشته و بعلاوه بر دارایی مقامات، نظارت قضایی دارد. لذا برخورداری کارگزاران نظام از بیت‌المال در حد متعارف و تمایل به ساده‌زیستی مسئولان، یکی از نشانه‌های اصلی در حرکت مبتنی بر عدالت محوری مسئولان و کارگزاران است. ... شیوع اشرافیگری و اولویت یافتن رفاه فردی بر رفاه جمعی، کمرنگ شدن ارزشها را در پی خواهد داشت و می‌توان از تجمل‌گرایی و مصرف‌زدگی به عنوان ام‌الفساد همه‌رذایل نام برد. (اسلام پناه، ۱۳۹۵)

اصل سوم قانون اساسی، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه برای ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف کردن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه را از وظایف دولت دانسته و در آغاز اصل ۴۳، «تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی او» را بعنوان اهداف اقتصادی نظام جمهوری اسلامی مد نظر قرار داده و ضوابطی برای تأمین این نیازها مقرر کرده است. اصل ۴۳ قانون اساسی ضمن تأکید بر تأمین نیازهای اساسی همچون مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه، امور ممنوعه‌ای را مطرح کرده که در راستای تحقق عدالت اجتماعی و جلوگیری از دستیابی با ثروت‌های بادآورده و بدون رنج و تلاش است. منع بهره‌کشی از کار دیگری، منع اضرار به غیر، ممنوعیت انحصار، احتکار، ربا و دیگر معاملات باطل و حرام، منع اسراف و تبذیر، در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، توزیع و خدمات، منع تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص، نفی دولت بعنوان کارفرمای بزرگ و مطلق و منع اجبار به کار معین یا محرومیت از انتخاب شغل، برخی از ضوابط حاکم بر اقتصاد جمهوری اسلامی در این زمینه است. (شفیعی فر، محمد، ۱۳۸۴: ۶۶)

۲. اشرافیگری

اشرافیگری ... بیانگر حالتی درونی است که حکایت از روحیه برتری جویی فرد مبتلا به اشرافیگری دارد. این حالت ممکن است در افراد ثروتمند یا متوسط و حتی فقیر وجود داشته باشد و فرد سعی می کند با استفاده از تجملات که معمولاً با ریخت و پاش و اسراف همراه است خود را بالاتر از دیگران جلوه دهد. اشرافیگری نوعی بیماری است ... مشی اشرافی گرایانه برای مسئولان کشور، ضعف به شمار می آید ... جامعه ای که به این آسیب دچار شود حتماً به انحطاط کشیده خواهد شد. (اشرافی، عباس، ۱۳۹۲: ۱۴۳)

منظور از اشراف در مباحث اجتماعی همان بزرگان و صاحبان نفوذ از جهت قدرت و امکانات مادی است که در رسته عالی ترین طبقات اجتماعی قرار می گیرند و در حوزه های عمل سیاسی و اجتماعی نقش تاثیرگذاری دارند. (میرحسینی، علیرضا، ۱۳ مرداد ۱۳۹۷: روزنامه کیهان) مفهوم اشرافیت و معانی نزدیک به آن در متون جامعه شناختی و سیاسی بیشتر شناخته شده است. در تجربه های کشورهای غربی، مفاهیمی همچون شریف زادگی، نجیب زادگی، طبقه ی برتر و آریستوکراسی که در وجوه زیادی هم پوشانی دارند، برای معرفی یک سلسله آداب و سنن و روش زندگی نام برده می شوند. به طور کلی، آنچه به عنوان فصل مشترک تعاریف مختلف از اشرافیت می توان ارائه کرد، عبارت است از «مجموعه ای از ارزش ها و روش های زندگی همراه با خودبزرگ بینی و ممتازگرایی متکی بر اصل و نسب خانوادگی». باید توجه داشت که بزرگی و اشرافیت خاندان، مهم ترین مقوم اشرافیت معرفی شده است. البته غالب افراد این طبقه در اکثر جوامع، از ثروت و قدرت نیز برخوردارند و یا دست کم از متنفذین جدی در ساختار سیاسی حاکمیت هستند. لذا به وضوح می توان در ادوار سیاسی حاکمیت ها، این نفوذ و ایجاد تغییر برای نیل به مطامع را مشاهده کرد. (شجاعی، جبار، ۱۳۹۷: ۲۳)

زندگی اشرافی، نیازمند ثروت هنگفتی است تا پاسخگوی اسرافها و مصرفهای افراطی اشرافان باشد. از سوی دیگر، لذتجویی لجام گسیخته و تجمل گرایی در زندگی، روحیه مسئولیت پذیری و عواطف انسانی را سخت تضعیف یا نابود می سازد. در نتیجه، اشراف نه توجهی به محرومان و نیازمندان خواهند داشت و نه مشارکتی در کارهای خیر. از این رو، قرآن کریم آنان را بازدارندگان کارهای خیر^۱ معرفی می کند و بی توجهی به یتیمان و مستمندان را ویژگی بارز آنان بر می شمارد. ۲ (شجاعی، ۱۳۹۷: ۲۳)

^۱ سورة قلم (۶۸)، آیه ۱۲

اشراف به عنوان یک جریان اجتماعی نامتوازن، در جوامع بشری از افراد و طبقات تأثیرگذار جامعه اند که رفتار، گفتار و عقایدشان پی آمدهای مستقیم و غیر مستقیمی بر سایر افراد جامعه، به ویژه طبقات پایین تر دارد. اینان برای مطرح کردن خود و کسب اعتبار و جلب احترام دیگران، به حفظ و گسترش نظام منزلتی می پردازند. (بشارت، ۱۳۹۶: basirat.ir)

در کاربردهای قرآنی، از مفهوم اصطلاحی پیش گفته با عنوان «ملاء» یاد شده است. ملاء به معنای «چشم پر کن» است. از نظر قرآن، یکی از گروه ها و طبقات اجتماعی که با خدا و پیامبران درگیر بودند همان ملاء و چشم پرکن ها در اقوام گذشته بودند. منظور از اشراف در مباحث اجتماعی همان بزرگان و صاحبان نفوذ از جهت قدرت و امکانات مادی است که در رسته عالی ترین طبقات اجتماعی قرار می گیرند و در حوزه های عمل سیاسی و اجتماعی نقش تأثیرگذاری دارند. در آیات قرآن برای بیان این مفهوم و اصطلاح اجتماعی از واژه های «ترف» و مشتقات آن و همچنین «ملاء» و سیاق آیاتی که اشرافیت اجتماعی را برساند، استفاده شده است. (میرحسینی: ۱۳۹۷)

به طور کلی، گروه ملاء افرادی هستند که در رأس قدرت و ثروت قرار دارند و پیوسته هم رأی و پشتیبان یکدیگرند و به عبارت دیگر، گروه برگزیدگان سیاسی هستند که رتق و فتق امور را در دست دارند و در رسته اجتماعی در بالاترین طبقات اجتماعی قرار داشته و نقش آفرین ترین افراد در جامعه هستند؛ زیرا رفتار اجتماعی، تابع رفتار و رویه آنان است و مردم آنها را الگوی رفتاری خود قرار می دهند؛ چنانکه قوم یهود، قارون از ملاء و اشراف را، الگوی خود قرار داده و آرزو داشتند که همانند او شوند. قارون نیز با تفاخر و خودنمایی اموال و ثروت و رفتارهای چشم پرکن به گونه ای عمل می کرد تا همه مسحور ثروت و قدرت و آرامش و آسایش ظاهری او شوند. (قصص، آیات ۷۶ تا ۸۰)

اشرافیگری می کوشد تا با قدرت و بهره مندی از امکانات مادی و بالاخص با بهره گیری از امکانات عمومی و منابع بیت المال، سبکی از حاکمیت غیر دینی و غیر مردمی را بر جمهوری اسلامی تحمیل کند. جریان اشرافی بیرون از حاکمیت، خود را به صاحبان قدرت نظامی - سیاسی و... نزدیک می سازد تا از سوی آنان مورد حمایت قرار گرفته و مردمان و جامعه خویش را استثمار و استعمار کنند. این جریان ممکن است الزاما از طبقات برخوردار و مرفه جامعه نباشند بلکه تمام افرادی که در اثر رسوخ و نفوذ روحیه اشرافیگری در آنان، در میان مردم کنش های خاصی دارند را نیز شامل می گردد (حسینی همدانی، ۱۳۹۷)

علل گسترش و گرایش به اشرافیگری

پیدایش و گسترش اشرافیت در افراد و جامعه، چندین عامل دارد؛ انباشته شدن ثروت در دست عده‌ای محدود، حاکمیت ارزش‌های تکاثری در جامعه، به‌ویژه روحیه‌ی چشم‌وهم‌چشمی و رقابت در مصرف‌گرایی، ضعف بنیان‌های اعتقادی و اخلاقی در میان افراد و الگوپذیری از مترفان، تهاجم تبلیغاتی و فرهنگی کشورهای صنعتی و پیشرفته بر جوامع عقب‌مانده و در حال توسعه برای گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی و در نتیجه، بازاریابی کالاهای تولیدی آن‌ها، اسراف و شاخصه‌های آن به‌ویژه مصرف‌گرایی را پدیدار می‌سازد و نفوذ متکثران و مترفان در حاکمیت که قرآن از آن تعبیر به «مأل» کرده است و تأثیرگذاری آن‌ها بر توده‌های مردم، عامل دیگر گسترش اشرافیگری است.

نتیجه‌ی اشرافیت و اشرافی‌گری در حوزه‌ی اقتصاد، ایجاد رکود است و در عرصه‌ی اجتماع، سبب فساد، بیکاری و سرانجام نابودی جامعه از نظر معنوی و روحی خواهد شد. آنچه بیش از همه در جامعه ایجاد خلل خواهد کرد، سرایت اشرافی‌گری و خسارات ناشی از آن به عرصه‌ی حاکمیت است که پیامدهای آن را می‌توان در بدبینی مردم جامعه نسبت به کل حاکمیت مشاهده کرد. تجمل‌گرایی را باید یکی از عوامل به وجود آورنده فقر دانست. زیرا همیشه فقر در یک قسمت از جهان، مولود ولخرجی و ریخت و پاش در قسمت دیگر جهان است. از طرفی دیگر وقتی کارکنان نظام اداری به اشرافیگری و تجمل‌خواهی و مصرف بی‌رویه می‌آورند زمینه و بستر مناسبی برای گسترش فساد اداری در میان آن‌ها به وجود آمده، انواع مفاسد اداری در میان کارگزاران و کارکنان نظام اداری رواج می‌یابد. (رضایی، محمدحسین، ۱۳۹۰: ۷)

بازگشت به روحیات اشرافیگری و نمایش رفتارهای ادا شاهی به شدت مردم مومن و مستضعفین و زجرکشیده‌های انقلاب را که برای پیروزی آن شهید داده و یا خود در زمره ایثارگران و حاضران در میدان مبارزه بوده‌اند، آزرده خاطر کرده یا خواهد کرد. نتیجه محتوم این سبک رفتار کارگزاران، نه تنها نومیدی مردم و جوانان از انقلاب اسلامی است بلکه روز به روز بر فاصله دیدگاهی و جهان بینی مسئولین و آحاد مردم خواهد افزود و به تدریج، درک کارگزاران از مردم و واقعیات جامعه، استبدادی خواهد شد.

به جهت جلوگیری از رسوخ آسیب اشرافیگری در انقلاب اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصول ابتدایی خود، به ویژه در اصل سوم و فصل چهارم در باب اقتصاد و نیز در برآورد دارایی مسئولین طراز اول جمهوری اسلامی به نوعی قرابت زیستی مسئولین در سطح مستضعف جامعه را مد نظر قرار داده است. چنانچه این اختلاف و تفاوت [نابرابری ثروت]، به هر دلیل به نحو فاحشی رو به فزونی گذارد، اقشار مردم در مدارج متفاوت، به گروههای ثروتمند و فقر تقسیم می‌شوند و بی‌عدالتی و ظلم، گریبانگیر جامعه می‌شود و چهره

ناخوشایندی از نا امنی و عدم آسایش به وجود می آورد. استقرار عدالت اجتماعی (و اقتصادی)، یکی از اهداف عالیه زمامداری است. (هاشمی، سید محمد، ۱۳۷۸: ۳۳۴)

۲-۱- خطرات اشرافیگری

موضوع اشرافیگری، موضوع جدیدی نیست. در میان امت های پیشین هم اشرافیگری و اتراف در جامعه بویژه در میان حاکمان، موجب انحطاط جامعه شده است. این موضوع در آیات شریفه قرآن کریم مورد اشاره و نهی قرار گرفته است. در بیان قرآنی، اشراف، ثروت اندوزانی هستند که با نام مترفین شناخته می شوند و دارای صفات و ویژگی هایی هستند؛ بارزترین مشخصه مترفین در قرآن، حق انکاری و مقابله ای این گروه با پیامبران الهی و مصلحان اجتماعی است. (فاخری، حجت، مرداد ۱۳۹۷: farhangesadid.ir).

از آنجایی که حکومت از دیدگاه اسلام، برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه گری فردی یا گروهی نیست و محتوای انقلاب اسلامی ایران حرکتی برای پیروزی مستضعفین بر مستکبرین بوده است^۳ یکی از اهداف اصلی انقلاب اسلامی محو طاغوت و تفکر طاغوتی بوده است؛ بر همین اساس برخی صفات برگرفته از نظام طاغوتی از قبیل تجمل گرایی، اشرافیگری، سلطه جویی، ویژه خواری، سهم خواری و زیاده طلبی را مردود دانسته و مسئولان را که سرآمد امت انقلابی هستند از این صفات ناپسند بر حذر می دارد. لذا یکی از ملاک های سنجش مسئولان با معیارهای انقلاب، شیوه زندگی و نوع رفتار آنان با مردم است. از اشکالات قطعی وارد بر گرایش زمامداران جمهوری اسلامی به فرهنگ اشرافیت، اشرافیگری و خوی کاخ نشینی، در ابعاد مختلف می توان به؛ آسیب به پشتوانه مردمی نظام، آسیب به اعتماد ملی، خدشه در عدالت اجتماعی، زمینه سازی برای گسترش ویژه خواری، فساد اداری و شکل گیری نوعی خاندان سالاری نوظهور و در نهایت تهدید مردم سالاری اسلامی و امنیت ملی، اشاره کرد.

اشرافیگری زمامداران بر فرهنگ جامعه تأثیر منفی گذارده و فرهنگ تجمل گرایی و اسراف را در جامعه منتشر می کند و اشاعه این فرهنگ، به تدریج جامعه را به سوی انحطاط خواهد برد؛ خطر اشرافیت معمولاً از بالاست. اشرافیت از جمله آفاتی است که تا در بالای هرم سیاسی لانه نکند، نمی تواند به طور مؤثر در اعمال قدرت یا رفتار و فرهنگ سیاسی جامعه اختلال ایجاد کند. اشرافیت بلیه ای است که سر ریز می شود. اگر زمامداران در یک جامعه، خصلت اشراف گونه پیدا کنند، بالطبع این خصلت در درون جامعه سر ریز می شود. (افتخاری، علی اصغر، ۱۳۸۰: ۵۰ و ۵۱)

^۳ مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی

ابن خلدون تاریخ نگار و جامعه شناس بزرگ اسلامی (قرون ۷ و ۸ هجری قمری) در این باره می گوید؛ «تجمل خواهی و اعیان منشی مایه بدبختی و انقراض جوامع است. جوامع هر اندازه بیشتر در تجمل خواهی و اعیان منشی فرو روند، به همان اندازه به مرز سقوط، نزدیک تر می شوند. روند سقوط نیز به این صورت است که اسراف گری و تجمل طلبی به تدریج سبب فقر و تهیدستی جوامع و حکومت ها می شود و هر قدر تجمل و اسراف، زیاد شود، به همان اندازه، تهیدستی نیز افزایش می یابد تا جایی که ثروت موجود، دیگر جوابگوی اسراف و تجمل نخواهد بود. بدین ترتیب قومی که به این کار عادت کرده اند به تدریج ضعیف و زبون می گردند و تا مرز نابودی پیش می روند» (شیخ، محمدعلی، ۱۳۶۳)

اشراف به عنوان یک جریان اجتماعی نامتوازن، در جوامع بشری از افراد و طبقات تأثیرگذار جامعه اند که رفتار، گفتار و عقایدشان پی آمدهای مستقیم و غیر مستقیمی بر سایر افراد جامعه (بویژه طبقات پایین تر) دارد. اینان برای مطرح کردن خود و کسب اعتبار و جلب احترام دیگران، به حفظ و گسترش نظام منزلتی می پردازند. نتیجه طبیعی جوامعی که اجازه می دهند که اشراف زمام امور را به دست بگیرند چیزی جز ناهنجاری در حوزه اجتماع و تجاوز از حد و حقوق و قانون در امور سیاسی و... نخواهد بود، این گونه است که زمام امور اجتماعی از حالت اعتدال خارج شده و گرفتار انحراف می گردد، در نتیجه افزایش ظلم و ستم و نابودی همبستگی و اتحاد و همدلی و در نهایت زوال حکومت جامعه دینی را موجب می گردد. انقلاب ما که از جمله انقلابات نادر تاریخ بشری است در تلاش برای حذف جریان و تفکر اشرافیگری بوده و یکی از اهداف اصلی خود را در حقیقت مبارزه با این جریان قرار داده و در این راه گام های بلندی برداشته است. (مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم، ۱۳۹۷)

آنگاه که نظام و حکومتی براساس اسلام و مکتب ولایت برپا می شود، بی تردید عدالت و ظلم ستیزی از ارکان اصلی و ماهوی آن است و تحقق راستین این رکن بزرگ جز با احقاق حقوق مظلومان و مستضعفان و آن نیز جز با تنگ کردن عرصه بر اشرافیان و تعدی گران امکان پذیر نیست. در حکومت عدل علوی، خروش و شورش آن حضرت در برابر اشراف از اساسی ترین اقدامات ایشان است و حضرتش کوچکترین نمود اشرافیگری و رفاه طلبی افراطی و نامعقول را برنمی تابد و سخت ترین مواضع را در برابر آن اتخاذ می کند. (مهدوی یگانه، مرتضی، ۱۳۹۴: ۱۴)

بر طبق یافته های میدانی .. از جمله آسیب های اشرافیگری را می توان، براندازی نظام دانست که با گذشت زمان ممکن است اتفاق بیفتد، زیرا روند و سمت و سوی نظام که با جهت گیری انقلابی اهداف و آرمان های

انقلابی را خواهان است با منافع جریان اشرافی سازگاری ندارد. از این رو ممکن است جریان اشرافی به این لحاظ با مخالفان و دشمنان در جهت براندازی، موضع گیری هماهنگی پیدا نماید. (بشارت، ۱۳۹۶: basirat.ir)

الف) خطرات اشرافیگری در نگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی

امام خمینی (ره) به عنوان پایه گذار جمهوری اسلامی و نظریه پرداز نظام مردمسالاری دینی در قرن اخیر، گرایش به اشرافیگری در میان جامعه بویژه در میان دولتمردان را، آغاز انحطاط و سقوط نظام سیاسی جمهوری اسلامی می داند؛ «ما باید کوشش کنیم که اخلاق کاخ نشینی را از این ملت بزدااییم. اگر بخواهید ملت شما جاوید بماند و اسلام را به آن طوری که خدای تبارک و تعالی می خواهد، در جامعه ما تحقق پیدا کند، مردم را از آن خوی کاخ نشینی به پایین بکشید، خود کاخ نشینی این خوی را می آورد» (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۳۷۵)

«آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس جمهور ما خدای نخواسته، از آن خوی کوخ نشینی بیرون برود و به کاخ نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند خدای نخواسته، و از این خوی ارزنده کوخ نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم.» (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۳۷۶ - ۳۷۷)

امام خمینی (ره) که خود بنیانگذار این نظام بوده است همیشه در صدر هشدار دهندگان نسبت به این خطرات بوده و با صراحتی مثال زدنی این خطرات را گوشزد می کردند. ایشان در بخشی از وصیت نامه بیان می کنند: «ملت در سرتاسر کشور در کارهایی که محول به اوست برطبق ضوابط اسلامی و قانون اساسی انجام دهد؛ و در تعیین رئیس جمهور و وکلای مجلس با طبقه تحصیل کرده متعهد و روشنفکر با اطلاع از مجاری امور و غیر وابسته به کشورهای قدرتمند استثمارگر و اشتها به تقوا و تعهد به اسلام و جمهوری اسلامی مشورت کرده و با علما و روحانیون با تقوا و متعهد به جمهوری اسلامی نیز مشورت نموده؛ و توجه داشته باشند رئیس جمهور و وکلای مجلس از طبقه ای باشند که محرومیت و مظلومیت مستضعفان و محرومان جامعه را لمس نموده و در فکر رفاه آنان باشند، نه از سرمایه داران و زمین خواران و صدرنشینان مرفه و غرق در لذات و شهوات که تلخی محرومیت و رنج گرسنگان و پابرهنگان را نمی توانند بفهمند.» (امام خمینی، وصیت نامه سیاسی الهی)

از اهم مسائلی که باید تذکر بدهم، مساله ای است که به همه روحانیت و دست اندرکاران کشور مربوط می شود و همیشه نگران آن هستم،... کیفیت زندگی اهل علم است. اگر خدای نخواسته، مردم ببینند که آقایان وضع خودشان را تغییر داده اند عمارت درست کرده اند و رفت و آمدهایشان مناسب شان روحانیت نیست.... از دست دادن آن همان و از بین رفتن اسلام و جمهوری اسلامی همان... آن چیزی که مردم به آن

توجه دارند و موافق مذاق عامه است این که زندگی شما ساده باشد، همان طوری که سران اسلام و پیغمبر اسلام و امیرالمومنین و ائمه ما زندگی شان ساده و عادی بود، بلکه پایین تر از عادی (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۱۸۸)

ملت عدالت می خواهد، اتاق بزرگ نمی خواهد. ملت وزارتخانه می خواهد، وزارتخانه اسلامی، نه آن وزارتخانه کاخ دادگستری، کاخ نخست وزیری، کاخ وزارت مالی، هی کاخ! کاخ مال ملت است. این تزییناتی که الآن در این کاخ ها موجود است، علاوه بر اینکه بسیاری اش یا بعضی اش از محرمات است و حتما باید دولت توجه کند به آن، دولتی که می گوید دولت اسلامی است - و هستند - نباید تحت تأثیر واقع بشود و هر طوری سابق بوده همان طوری که در زمان محمدرضا شاه خان بوده است حالا هم همان فرم باشد. پس شما چکاره اید! تو که می گویی من مسلمان هستم، چکاره هستی؟ ما یکی یکی باید بگوییم؟ دانه دانه باید بسپاریم؟ این ها باید اصلاح بشود و شماها - من می دانم - مسلمانید - من همه افراد این ها را بعضی شان را می شناسم، بعضی شان را هم معرفی کرده اند به من - این ها همه متعهدند، همه مسلمانند، لکن ضعیف النفسند! می ترسند که مبادا یک وقت میهمانی از اجانب بیاید در کاخ دادگستری یا در کاخ نخست وزیری و آنجا ببیند که یک [محیط] محقری است؛ باید حتما به فرم غرب باشد؟! (امام خمینی، ۱۳۵۷: ۳۲۹)

دولت ها بفهمند که قدرت به این نیست که ظرف طلا باشد و ظرف نقره باشد، قدرت به این نیست که پرده های کذا باشد، بزرگی و عظمت به این نیست که پرده های کذا باشد و مبل های کذا باشد از مال این ملت ضعیف! خود ملت توی این غارها زندگی بکند و شما در کاخ های دادگستری و در کاخ های نخست وزیری؟! تعدیل کنید خودتان را؛ اگر از خودتان شروع نکنید نمی توانید اصلاح کنید. (امام خمینی، ۱۳۵۷: ۳۳۰)

ب) خطرات اشرافیگری در بیان رهبر معظم انقلاب اسلامی

رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز همین نهی شدید را در بیانات مکرر خود، بارها مورد تأکید قرار داده اند؛ «جلوی اشرافیگری باید گرفته بشود؛ اشرافیگری بالای کشور است. وقتی اشرافیگری در قله های جامعه به وجود آمد، سرریز خواهد شد به بدنه؛ [آن وقت] شما می بینید فلان خانواده ای که وضع معیشتی خوبی هم ندارد، وقتی می خواهد پسرش را داماد کند یا دخترش را عروس کند یا فرض کنید مهمانی بگیرد، مجبور است به سبک اشرافی حرکت بکند. ... رفتار مسئولین، گفتار مسئولین، تعلیمی که می دهند، باید ضد این جهت اشرافیگری باشد؛ کما اینکه اسلام این جوری است.» (امام خامنه ای، ۱۳۹۵)

گرایش اشرافیگری، آن چیزی نیست که بشود با قانون و با دادگاه و با بازجویی و با امثال اینها علاجش کرد؛... این از جمله مقولاتی است که بایستی فضای عمومی کشور، احساسات مردم، خواست مردم و به تعبیر رساتر، فرهنگ عمومی مردم آن را دفع کند تا این علاج شود. در این باره رهبر معظم انقلاب اسلامی می فرماید: «من وظیفه دارم خطر را به مردم عزیزمان بگویم. ما اگر به سمت اشرافیگری حرکت کردیم، این رفتن به سمت ارتجاع است.» (امام خامنه ای، ۱۳۹۶: ۳)

راز انحرافی که آن روز، امیرالمؤمنین در مقابل خود ملاحظه می کرد - و نهج البلاغه پر است از بیان این انحرافها - عبارت بود از دنیاطلبی. شما امروز به دنیا نگاه کنید، همین را مشاهده می کنید. وقتی عناصر دنیاطلب، فرصت طلب و متجاوز، زمام کارها را در سطح عالم در دست گرفتند، همانی می شود که ملاحظه می کنید. اولاً به حقوق انسانها ظلم می شود؛ ثانیاً حق و سهم آحاد بشر از این سفره ی عظیم طبیعت الهی و موهبت الهی نادیده گرفته می شود؛ ثالثاً همین دنیاطلبان برای اینکه به مقاصد خودشان برسند، در جامعه فتنه ایجاد می کنند؛ جنگها، تبلیغات دروغین، سیاست بازی های ناجوانمردانه؛ این ها ناشی از همین دنیاطلبی هاست. (امام خامنه ای، شهریور ۱۳۸۷: خطبه ها)

۲-۲ - آسیب های اشرافیگری

ویژگی بارز اشرافیگری، اسراف و مصرف افراطی امکانات مادی کشور است؛ امکاناتی که از راه های نامشروع و با غصب حقوق و استثمار دیگران به چنگ آورده شده یا دست کم در مصرف اشراف گونه ی اشرافیان، سهم گروهی از نیازمندان تضییع گشته است. در فرهنگ قرآنی، نتیجه ی این ظلم و ستم چیزی جز نابودی نیست این نابودی هم می تواند ناظر به خود افراد باشد و هم معطوف به مجموعه ی سیاسی که اینان ناخدای آن اند. (میرعمادی، سید احمد، ۱۳۹۰: ۸۵)

در نگاه قرآن یکی از اسباب نابودی تمدن ها، همین زندگی اشرافی است. حال تصور شود که این اشرافیت دقیقاً در عرصه ای وارد شود که قرار است جامعه، که مصداق خارجی این تمدن است را اداره کند. نتیجه چیزی جز شتاب بیشتر این نابودی نخواهد بود. (فرمینی فراهانی، محسن، ۱۳۸۴: ۱۶۴)

لذت جویی لجام گسیخته و تجمل گرایی در زندگی، روحیه ی مسئولیت پذیری و عواطف انسانی را سخت تضعیف یا نابود می سازد. در نتیجه، اشراف نه توجهی به محرومان و نیازمندان خواهند داشت و نه مشارکتی در کارهای خیر. این دسته افراد، به هنگام حضور در عرصه ی سیاسی، همواره به دنبال ارتقا بخشیدن این ثروت و از سوی دیگر، پایدارسازی آن هستند. گویی که می خواهند از جایگاه و منصب سیاسی خود استفاده کرده و این شرایط اقتصادی را برای خود چنان مستحکم سازند که تغییرات اقتصادی، آن را به لرزه در نیاورد.

تسلسل و روند رو به گسترش سلوک اشرافیگری در میان برخی گردانندگان امور و مدیران حکومتی و تبار نوخاسته و نودولت آنها، آسیب هایی را متوجه جمهوری اسلامی کرده است. اهداف عالی نظام جمهوری اسلامی که همانا پیگیری و تحقق آرمان های انقلابی و اسلامی بنیانگذار کبیر آن، حضرت امام خمینی(ره) و افق های ترسیم یافته ی نظریه پرداز تمدن نوین اسلامی، امام خامنه ای(حفظه الله تعالی) و اصول بنیادین قانون اساسی است، با منافع جریان جانگرفته و بی بته اشرافیت سازگاری ندارد.

از نتایج قطعی گرایش به فرهنگ اشرافیت، اشرافیگری و خوی کاخ نشینی، در ابعاد مختلف، می توان به؛ تزلزل در پایه های عدالت اجتماعی، آسیب به پشتوانه مردمی نظام، آسیب به اعتماد ملی، زمینه سازی برای گسترش ویژه خواری، فساد و شکل گیری نوعی خاندان سالاری نوخاسته و در نهایت تهدید امنیت ملی، اشاره کرد. در اینجا سه عنوان خطرناک از مهمترین آسیب ها و خطرات گرایش به اشرافیگری را مرور می کنیم؛

الف) آسیب به عدالت اجتماعی

فوری ترین هدف تشکیل نظام اسلامی استقرار عدالت اجتماعی و قسط اسلامی است. قیام پیامبران خدا و نزول کتاب و میزان الهی برای همین بود که مردم از فشار ظلم، تبعیض و تحمیل نجات یافته در سایه قسط و عدل زندگی کنند و در پرتو آن نظام عادلانه به کمالات انسانی نایل آیند.(امام خامنه ای، ۱۳۶۹). عدالت اجتماعی بدین معنی است که فاصله ژرف میان طبقات و برخورداریهای نابحق و محرومیت ها از میان برود و مستضعفان و پابرهنگان که همواره مطمئن ترین و وفادارترین مدافعان انقلابند احساس و مشاهده کنند که به سمت رفع محرومیت حرکتی جدی و صادقانه انجام می گیرد.(امام خامنه ای، ۱۳۶۸)

مقام معظم رهبری درباره رابطه عدالت اجتماعی و تجمل و اشرافیگری می فرماید: اگر این روحیه تجمل گرایی در جامعه ما رواج پیدا کند که متأسفانه تا میزان زیادی هم رواج پیدا کرده است بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی کشور اصلاً حل نخواهد شد. تجمل گرایی و گرایش به اشرافیگری در زندگی، ضررها و خطرهای زیادی دارد؛ هیچ وقت عدالت اجتماعی تأمین نخواهد شد، هیچ وقت روحیه برادری و الفت و انس و همدلی که برای همه کشورها و همه جوامع، به خصوص جامعه ما، مثل آب و هوا لازم است، پیش نخواهد آمد.(امام خامنه ای، ۱۳۷۸: ۱۵۰) (اشرفی، عباس، ۱۳۹۳: ۱۵۷)

امام علی(علیه السلام) درباره اندازه نگه داشتن خرج زندگی و زیاده روی در مصرف می فرماید: اندازه نگه داشتن در معیشت، سبب فقر و نیازمندی انسان می شود.(علامه مجلسی، محمدباقر، ج ۷۱، ص ۳۴۷) امیرالمؤمنین علی(علیه السلام) می فرماید: «برای جلوگیری از پدید آمدن چنین وضعیتی خدای سبحان، روزی

فقیران را در مال و توانگری قرار داده است. پس هر جا بینوایی گرسنه است، حق او در سفره رنگین اغنیا است و خدای متعال از توانگران بازخواست خواهد کرد. (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸)

ب) آسیب به سلامت اداری و گسترش فساد

یکی از عوامل فرهنگی که در ایجاد و گسترش فساد اداری نقش تعیین کننده ای دارد، رواج و غلبه فرهنگ اشرافیگری و تجمل خواهی است. وقتی کارکنان نظام اداری به اشرافیگری و تجمل خواهی و مصرف بی رویه روی می آورند زمینه و بستر مناسبی برای گسترش فساد اداری در میان آنها به وجود آمده، انواع مفاسد اداری در میان کارگزاران و کارکنان نظام اداری رواج می یابد (رضایی، ۱۳۹۰). اگر ارزش ها، هنجارها، عقاید و باورهای حاکم بر افراد اجتماع متکی بر ارزش های مادیگرایانه، فردگرایانه و مصرف گرایانه باشد و ساختارهای اجتماعی از انسجام و کارکردهای لازم برخوردار نباشند، ناکارآمدی و ضعف نظام فرهنگی و اجتماعی را به دنبال داشته و پیامد آن، شکل گیری فساد در همه سطوح و لایه های اجتماع خواهد بود. (فرجی، فروغ، ۱۳۹۵)

اگر در جامعه ای اشرافیگری رواج یابد حتما فساد اقتصادی دامن آن جامعه را می گیرد و آن را به انحراف می کشاند و تاریخ پیامبران هم نشان می دهد که یکی از جنبه های هدایت انبیای الهی هدایت اقتصادی آن جامعه و ایجاد عدالت اقتصادی بوده است (اشرفی، ۱۳۹۲: ۱۵۶)

ج) آسیب به اعتماد عمومی و اخلال در امنیت ملی

گرایش به اشرافیگری در میان مسئولان و زمامداران نظام اسلامی به عنوان یکی از مصادیق مهم بی عدالتی و تبعیض، به تدریج می تواند باعث بی اعتمادی و دلسردی مردم از نظام اسلامی و تضعیف حمایت مردمی گردد که به نوبه خود از مهم ترین مولفه های امنیت ملی است. دنیاطلبی سران، شکاف عظیمی بین آنان و افراد جامعه پدید می آورد؛ به طوری که قشر مستضعف امت اسلامی سردمداران خویش را تافته جدا بافته پنداشته و کم کم از یاری و حمایت آنان دست برمی دارند و از طرفی این صفت ناپسند از دلسوزان آنان منفعت طلبانی می سازد که هیچگاه رنج و درد اقشار ضعیف جامعه خویش را درک نمی کنند. امام علی علیه السلام نیز فرمانداران را از دنیاگرایی و اشرافیت نهی می کردند و به دقت مراقب آنان بودند. حضرت در نامه ای به یکی از فرمانداران خود - عثمان بن حنیف - می نویسند: «ای پسر حنیف! به من گزارش داده اند که مردی از سرمایه داران بصره تو را به میهمانی خویش فراخوانده و تو به سوی آن شتافته ای. خوردنیهای رنگارنگ برای تو آورده و کاسه های پر غذا پی در پی جلوی تو نهاده اند؛ گمان نمی کردم میهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندان با ستم محروم شده و ثروتمندان بر سر سفره دعوت شده اند، اندیشه کن کجایی و بر سر کدام سفره می خوری؟

اشرافیگری زمامداران، زمینه تبعیض و دوری میان حاکمان و جامعه را فراهم می کند. نابرابری و یا بی عدالتی اقتصادی به خودی خود مخل ثبات سیاسی نیست، بلکه این احساس تبعیض میان طبقات مردم و زمامداران و خانواده های نودولت آنها است که منجر به بی ثباتی می شود. ممکن است چنین احساساتی واقعیت نداشته باشد و هیچ گروه یا نهادی به عنوان عامل تبعیض و ظلم علیه اقشار فقیر و ضعیف عمل نکرده باشد، اما به هر حال احساس بی عدالتی و استثمار، به انحاء مختلف ثبات نظام سیاسی را مورد تهدید قرار می دهد.

توجه به دنیا و مظاهر دنیوی و اندوختن مال و ثروت از جمله عوامل سقوط و انحطاط دولت ها بوده است. .. دنیاطلبی سران شکاف عظیمی میان آنان و جامعه پدید می آورد؛ به طوری که قشر مستضعف امت اسلامی، سردمداران خویش را تافته جدا بافته پنداشته و کم کم از یاری و حمایت آنان دست بر می دارند و از طرفی این صفت ناپسند، از دلسوزان آنان، منفعت طلبانی می سازد که هیچ گاه رنج و درد اقشار ضعیف جامعه خود را درک نمی کنند. (نقیبی، فاطمه، ۱۳۷۹: ۸۶)

«آن روزی که دولت ما توجه به کاخ پیدا کرد، آن روز است که باید ما فاتحه دولت و ملت را بخوانیم. آن روزی که رئیس جمهور ما خدای نخواسته، از آن خوی کوخ نشینی بیرون برود و به کاخ نشینی توجه بکند، آن روز است که انحطاط برای خود و برای کسانی که با او تماس دارند پیدا می شود. آن روزی که مجلسیان خوی کاخ نشینی پیدا کنند خدای نخواسته و از این خوی ارزنده کوخ نشینی بیرون بروند، آن روز است که ما برای این کشور باید فاتحه بخوانیم ...» (امام خمینی، ۱۳۶۲: ۳۷۷ و ۳۷۶)

سبک زندگی اشرافیگری در میان کارگزاران، موجب تبعیض و رسوب نارضایتی عمومی و عامل خطر برای بقاء نظام و خطر نزدیک برای براندازی خواهد بود. «وجود اشرافی گری در نظام اسلامی، یک براندازی خزنده و تدریجی را برای نظام به دنبال دارد که آثار مخرب آن از براندازی حکومت با جنگ و اسلحه بدتر است. .. سبک زندگی اشرافی در بین مسئولان نظام اسلامی موجب تزلزل پایه های نظام می شود... در زمان طاغوت، هر قدر فساد در حکومت بیشتر می شد اهرم مردم انقلابی قوی تر می شد، هم اکنون هم هر قدر فساد در نظام و بین مسئولان بیشتر شود، پایه های نظام سست تر می شود. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه می فرمایند: مسئولان نظام اسلامی باید طراز زندگی شان با طبقات متوسط یا پایین جامعه باشد چراکه اگر مسئولان، زندگی اشرافانه داشته باشند، فقرا در مقابل مسئولان گرفتار هیجان درونی و طغیان علیه نظام می شوند.» (حائری، حسن، ۱۳۹۵)

اعتماد عمومی به حاکمیت مستقر، مهمترین سرمایه یک نظام سیاسی است. اشرافیگری برخی از مسئولان به تدریج به این اعتماد ملی آسیب وارد خواهد ساخت. «اشرافی گری مسئولان یک براندازنده خزنده است و نه تنها موجب تزلزل پایه های نظام بلکه موجب تزلزل ایمان افراد هم می شود، وقتی مردم، اشرافی گری مسئولان را

می بینند، می گویند اگر دین ما این را گفته، دین را نمی خواهیم و اگر دین ما غیر از این است، پس این مسئولان را نمی خواهیم. اعتماد مردم، سرمایه عظیم مسئولان است و اشرافی زندگی کردن مسئولان باعث می شود که اعتماد مردم نسبت به مسئولان از بین برود لذا حتی اگر مردم قیام نکنند به مرور و در طول زمان، نظام دچار انحطاط می شود. (حائری، ۱۳۹۵)

اشرافیگری زمامداران در یک نظام سیاسی، جلوه ای کامل از بی عدالتی است. احساس بی عدالتی در جامعه، زمینه بروز نارضایتی ها و پرخاشگری اجتماعی را افزایش خواهد داد؛ «دو نوع عدم مساوات است که در برانگیختن روح اعتراض و در صورت مناسب بودن شرایط، در تبدیل اعتراض به طغیان، قدرتی خاص دارد، یکی عدم مساوات فوق العاده در ثروت که با اختلاف لیاقت یا خدمت کاملاً بی تناسب باشد و موجب شود که عده کثیری در فقر و مشقت بی پایان به سر برند و عده قلیلی در ناز و نعمت بی جهت. نوع دیگر عدم مساوات در به دست آوردن فرصت است که این خود با عدم مساوات در قدرت ملازم می باشد و احساس عمیق بی عدالتی را بیدار می کند، زیرا افراد حس می کنند که استعداد و شخصیت آنها در نتیجه برتری بی جهت دیگران عاقل شده و از رشد و ترقی بازمانده است». (مک آیور، رابرت موریس، ۱۸۸۲: ۳۳۹)

اشرافیگری به عنوان پدیده ای ضد عدالت، در دراز مدت، بی ثباتی اجتماعی را رقم خواهد زد؛ عدالت قانونی است عام که همه اجتماع را دربر می گیرد و بزرگرایی است عمومی که همه را می تواند در خود بگنجاند و بدون مشکل عبور دهد. لذا فرمود: و العدل سائنس عام، عدل نگاهدارنده همگان است. (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷: ۱۲۹۰) (سلامی، حسن، ۹ اسفند ۱۳۹۹: روزنامه کیهان)

بی تردید عدم مساوات اجتماعی، احساس مرارت، ناکامی و خشم را در قشرهای مختلف مردم برمی انگیزد و منشا نارضایتی و شورش علیه نظام موجود می شود. در جایی که برخی زمامداران با اشرافیگری و ویژه خواری، رعایت حقوق و حدود دیگران را نمی کنند؛ «این تجاوز {به حقوق جامعه}، به تدریج دامنه نارضایتی مردم را گسترش می دهد. لذا حکومت چاره ای جز جلوگیری و سرکوب ندارد و نتیجه سرکوبی ها این است که نارضایتی بیشتر شود و حس وفاداری عده کثیری به حکومت تضعیف شود. نهایتاً اگر حکومت روش و راه خویش را تغییر ندهد با نافرمانی و طغیان مردم روبه رو می شود که این امر موجب بی ثباتی حکومت می شود. به اعتقاد یکی از جامعه شناسان سیاسی، در بیشتر دگرگونی های سیاسی همیشه باید علت شورش را در نابرابری

جست وجو کرد. نابرابری سیاسی و اقتصادی را باید جنبه تقریبا ذاتی نا استواری سیاسی به شمار آورد. (هانتینگتون، سموئل، ۱۳۹۲: ۸۷) ۵

ناامنی های اجتماعی در یک علت یابی اصلی، محصول شکاف طبقاتی و بی عدالتی است و اشرافیگری زمامداران و سبک زندگی ملوکانه آنها و خانواده های نودولت شان، مهم ترین عامل این شکاف طبقاتی و توسعه بی عدالتی است. «فراگیرترین بحران ها و نا امنی های مهم در جوامع در حال گذار، معمولا از شیوه مناسبات اقتصادی و توزیع درآمد ناشی می شوند ... شکاف های متعدد بحران زا، از جمله شکاف های قومی، جمعیتی و طبقاتی ناشی از بحران توزیع در این گونه جوامع منجر به تولید ناامنی می شوند، اشکال طبقاتی به نوبه خود، عامل تولید پدیده های بحرانی و امنیتی در عرصه های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در این جوامع می شوند ... به نظر می رسد هر اندازه که امید به کسب درآمد بیشتر و امکان ادامه زندگی در سطوحی بالاتر کاهش یابد، این جوامع بی ثباتی های بیشتری را تجربه می کنند. ... بحران های ناشی از شکاف درآمدی و بهره برداری غیر برابر از مواهب توسعه، عامل بی ثباتی آسیب پذیری امنیت داخلی و ایجاد زمینه برای بروز نارضایتی توده ای می باشد. (ربیع، علی، ۱۳۸۹: ۱۵۷ - ۱۶۷)

نتیجه گیری:

ارثه تعریفی حقوقی و مشخص از اشرافیت و تجمل گرایی مقامات و مسئولان در جمهوری اسلامی و بررسی الگویی برای رفع این انحراف و آسیب و به طور ویژه، بررسی راهکارهای قانونی و اجتماعی جلوگیری این انحراف از طریق تقویت نظارت مردمی، فرهنگ سازی و کار رسانه ای بر این مهم و قرار دادن مولفه ساده زیستی و زهد نسبت به زخارف دنیا به عنوان یکی از مولفه های تعیین صلاحیت افراد برای حضور در سمتهای حکومتی، از رهبریت گرفته تا ریاست قوه، وزارت، نمایندگی مجلس، معاونین و مشاوران آنها، استانداری، فرمانداری، بخشداری و سایر مقامات، همچنین ریاست نهادهای انقلابی و شوراهای عالی حکومتی و معاونین و مشاورین آنها و فرماندهی عالی رده های مختلف نظامی و انتظامی و معاونین و مشاورین آنها، از جمله موضوعات ضروری است. ضعف عملکرد نهادهای متولی از جمله قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضاییه و نهادهای حاکم و همچنین دخالت افراد ذینفوذ و جناح های سیاسی در امر برخورد با اشرافیگری و اکتفای صرف به سخنرانی، از مهمترین علل رشد اشرافیگری در جمهوری اسلامی است.

اشرافیت یکی از پدیده های اجتماعی است که در طول تاریخ در جوامع بشری به اشکال مختلف بروز و ظهور یافته و همواره به عنوان یکی از آفت های اصلی جامعه و برخی نظام های سیاسی بوده که عدم جلوگیری از به وجود آمدن تجمل گرایی و اشرافیت به ویژه در بین مسئولین و زمامداران یک حکومت، باعث بروز مشکلات فراوان برای آن جامعه و بی اعتمادی بین مردم و مسئولین و در برخی موارد منجر به ساقط شدن نظام سیاسی حاکم از سوی مردم شده است. غالب افراد طبقه اشراف در اکثر جوامع، از ثروت و قدرت نیز برخوردارند و یا دست کم از متنفذین جدی در ساختار سیاسی حاکمیت هستند. لذا به وضوح می توان در ادوار سیاسی حاکمیت ها، این نفوذ و ایجاد تغییر برای نیل به مطامع را مشاهده کرد.

از آنجایی که بسیاری از متنعمان و ثروتمندان، غرق شهوات و هوس ها می شوند، واژه ی «مترفین» در قرآن به معنی کسانی است که مست و مغرور به نعمت شده و طغیان کرده اند و مصداق آن در بیشتر موارد، پادشاهان، جباران و ثروتمندان مستکبر و خودخواه است؛ آن دسته از افرادی که با قیام انبیاء، به دوران خودکامگی شان پایان داده شده و منافع نامشروعشان به خطر می افتاد و مستضعفان از چنگال آن ها رهایی می یافتند. به همین دلیل، با انواع حيله ها و بهانه ها، به تخدیر و تحمیق مردم می پرداختند و امروزه نیز بیشترین فساد دنیا از همین «مترفین» سرچشمه می گیرد.

در همین باره، مقام معظم رهبری نیز در مقاطعی نسبت به زیست مترفانه در میان مسئولین جمهوری اسلامی هشدار داده اند: «اشراف مگر چگونه بودند؟ چون فقط آن ها ریش شان را تراشیده بودند، ما ریشمان را گذاشته ایم، همین کافی است؟! نه، ما هم مترفین می شویم. والله در جامعه ی اسلامی هم ممکن است مترف به وجود بیاید. از آیه ی شریفه ی و اذا اردنا ان نهلك قریه امرنا مترفها ففسقوا فیها، بترسیم... اندازه نگه دارید. دولت مخارجش زیاد و سنگین است.» (امام خامنه ای، ۱۳۷۰)

در تحقق اهداف متعالی، علاوه بر حسن فعلی، به حسن فاعلی هم نیاز است. این تعبیر صحیح و اصولی که؛ "با دستمال کثیف نمی توان شیشه کثیف را تمیز کرد"، به ما می گوید که مجریان و کارگزاران نظام اسلامی اگر می خواهند با فساد و بی عدالتی مبارزه کنند و مجری عدالت و عدالت خواهی باشند، باید این هدف را قبلاً در زندگی خود پیاده کرده باشند. اتخاذ مشی اشرافیگری در سبک زندگی فردی و سازمانی برخی مسئولین نظام اسلامی با مقوله دفاع از حقوق پابرهنگان و طبقات محروم جامعه در تعارض است. مسئولین و دولتمردان اشرافی گرا نخواهند توانست میان سبک زندگی تجمل گرایانه خود با اهداف متعالی انقلاب اسلامی و مقاصد عدالت خواهانه قانون اساسی در صیانت از حقوق محرومین جامعه جمع ببندند.

زندگی تجمل گرایی و یا به اصطلاح اشرافی‌گری از جهات گوناگون برای مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی ممنوع و از لحاظ فقهی حرام است، ... یکی از دلایل ممنوع بودن این نوع زندگی برای مسئولان، این است که تجمل‌گرایی، خودش اسراف است و اسراف در اسلام، حرام عنوان شده است. (حائری، ۱۳۹۵)

ساده زیستی مسئولان به عنوان یک ضرورت و اعمال نظارت مؤثر و مستمر حکومت و تضمین نظارت عمومی مردم از طریق رسانه‌ها و مطالبه‌گری عمومی برای حفظ و تداوم مشی ساده زیستی زمامداران و وابستگان آنها و فرهنگ سازی و تقبیح گرایش مسئولان به اشرافیگری در فرهنگ عمومی، از مهمترین راهکارهای مقابله با گرایش به اشرافیگری است.

حضرت علی(ع)، مسئولان را از خوی اشرافیگری و گرایش به تجملات دنیا نهی می کردند، بلکه آنان را از همنشینی و معاشرت با اشراف نیز باز می داشتند. عثمان بن حنیف، حاکم بصره، در مجلس میهمانی شرکت کرده بود. به امام علی(ع)، خبر می رسد که نماینده و حاکم شما در مجلسی شرکت کرده است که در آنجا اغنیا و اشراف وجود داشته اند، ولی از فقرا کسی در آنجا نبوده است. حضرت امیر او را توبیخ می کند: و ما ظننت انک تجیب الی طعام قوم عائلهم مجفو و غنیهم مدعو (نهج البلاغه، نامه ۴۵) گمان نمی کردم میهمانی مردمی را بپذیری که نیازمندانشان با ستم محروم شده و ثروتمندانشان بر سر سفره دعوت شده اند. (صداقت، محمدرضا، ۱۳۹۵: ۵۰)

منابع و مأخذ

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، ترجمه فیض الاسلام
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- آنتونی گیدنز، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ سوم، تهران: نشر نی، ۱۳۷۶.
- ابن خلدون، برداشت و گزیده ای از مقدمه ابن خلدون، تالیف؛ آلبرت نصری نادر، ترجمه؛ شیخ، محمدعلی، ۱۳۶۳، تهران: دانشگاه شهید بهشتی
- اسلام پناه، مهدی، آزادی، مسعود، ۲۰ شهریور ۱۳۹۵، چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی، آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران
- اسماعیلی، حمیدرضا، ۱۳۸۹، شورش اشرافیت بر جمهوریت، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹
- اشرفی، عباس، بهار ۱۳۹۲، اشرافیگری سبکی ناپسند برای زندگی، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، شماره 13
- افتخاری، علی اصغر، آذر و دی ۱۳۸۰، مجله اندیشه حوزه، شماره ۳
- بشارت، منصور، فروردین ۱۳۹۶، آسیب اشرافیت گری بر نظام جمهوری اسلامی، پایگاه تحلیلی بصیرت؛ basirat.ir
- پورعزت، علی اصغر، بهار ۱۳۸۶، خط مشی گذاری دولتی برای تحقق عدالت اجتماعی، ماهنامه اندیشه مدیریت راهبردی، شماره ۱، ص ۷۸
- ثلاثی، محسن، ۱۳۹۲، ترجمه: سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی (هانتینگتون، سموئل: ۱۹۶۸)، تهران: انتشارات علم
- حائری، محمدحسن ۱۳۹۵، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، همایش «از شرافت تا اشرافیت»، ۲۷ بهمن ۱۳۹۵
- حسینی الخامنه ای، سید علی، (امام خامنه ای)، ۲۳ مرداد ۱۳۷۰، دیدار با کارگزاران نظام
- همان، ۱۳۷۸، بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸، ۱۵۰
- همان، شهریور ۱۳۸۷، خطبه‌های نماز جمعه تهران
- همان، ۱۵ مهر ۱۳۸۸، بیانات در دیدار مردم چالوس و نوشهر، Khamenei.ir
- همان، مرداد ۱۳۹۵، بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم
- همان، بهمن ۱۳۹۶، (نشریه خط حزب الله، ۱۳۰، اردیبهشت ۱۳۹۷)
- همان، فروردین ۱۳۹۷، در دیدار مدیران و کارکنان وزارت اطلاعات
- ربیعی، علی، ۱۳۸۹، شکاف درآمدی، دغدغه امنیتی کشورهای در حال گذار؛ مطالعه موردی ایران، راهبرد، سال نوزدهم، شماره ۵۷، ۱۵۷ تا ۱۶۲
- رضایی، محمدحسین، ۱۳۹۰، اشرافی‌گری، تهران، چاپ اول، انتشارات: موسسه مستشهدین وصال
- رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه یا سنه الله: مقدمه‌ای بر جامعه شناسی کاربردی، تهران: انتشارات کاوه، ۱۳۷۷
- سلامی، حسن، ۹ اسفند ۱۳۹۹، نقش بی عدالتی در بی ثباتی حکومت ها از دیدگاه امام علی (ع)، روزنامه کیهان، شماره ۲۲۶۹۵
- شجاعی، جبار، ۱۳۹۷، زیست اشرافی از منظر قرآن، نشریه مهدی موعود، شماره ۲۰۷ و ۲۰۸
- شفیعی فر، محمد، بهار ۱۳۸۴، دموکراسی و عدالت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره ۲۷
- صداقت، محمدرضا، بهار ۱۳۹۵، آسیب شناسی اشرافی گری در سیره ی حکومتی امیرمؤمنان علیه السلام، فصلنامه فرهنگی بصیرتی تبلیغی پیام، شماره ۱۱۸ و ۱۱۹: ص ۵۰

- عطاردی، عزیز الله، ۱۳۸۶، عوامل سقوط و انحطاط حکومتها از دیدگاه نهج البلاغه، فصلنامه ندای صادق، شماره ۲۰، دی ماه ۱۳۸۶.
- علی کنی، ابراهیم، ۱۳۴۹، ترجمه: جامعه و حکومت (مک آیور، رابرت موريس، ۱۸۸۲)، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب
- فاخری، حجت، مرداد ۱۳۹۷، مفهوم اشرافیگری در قرآن، پایگاه تحلیلی فرهنگ سدید، farhangesadid.ir
- فرجی، فروغ، ۲۸ بهمن ۱۳۹۵، فساد اداری در ایران، سومین همایش بسترهای فساد مالی و اداری در نظام حقوقی ایران با رویکرد اصلاح و توسعه نظام حقوقی، میبد، <https://civilica.com/doc/641332>
- فرمehنی فراهانی، محسن، ابوالقاسمی، محمدجواد، پژوهشی در آسیب شناسی توسعه فرهنگ دینی با نگاه به دو دهه گذشته، چاپ اول، شهریور ۱۳۸۴، تهران: موسسه فرهنگی هنری عرش پژوه
- مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات، حوزه علمیه قم، ۱۳۹۷
- موسوی الخمينی، سید روح الله، (امام خمینی)، ۱۵ اسفند ۱۳۵۷، صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۶
- همان، فروردین ۱۳۶۲، تهران، صحیفه امام، ج ۱۷
- همان، صحیفه نور، ج ۱۹
- مهدوی یگانه، مرتضی، خرداد ۱۳۹۴، ماهنامه موعود، خروش علوی علیه اشرافیگری، شماره ۱۶۲ و ۱۶۳
- میرحسینی، علیرضا، ۱۳۹۷، اشرافیگری خطر بزرگ اجتماعی، روزنامه کیهان، شماره ۲۱۹۶۹، ۱۳ مرداد ۱۳۹۷
- همان، روزنامه کیهان، ۱۳۹۷/۵/۲۷، ش ۲۱۹۸۱، مترفین مفسدان اقتصادی در اجتماع
- میرعمادی، سید احمد، ۱۳۹۰، اقتصاد در اسلام، چاپ اول، قم: انتشارات باقیات
- نقیبی، فاطمه، ۱۲ دی ماه ۱۳۸۶، عوامل سقوط و انحطاط حکومتها از دیدگاه نهج البلاغه، فصلنامه: ندای صادق، شماره ۲۰، ص ۸۶
- هاشمی، سید محمد، ۱۳۷۸: حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول: اصول و مبانی کلی نظام، چاپ دوم، تهران، پاییز ۱۳۷۸، انتشارات دادگستر.

Abstract

The Islamic Revolution of Iran is a popular-Islamic movement that pursues important goals for the development of man and society. Tendency to aristocracy can challenge the existence of some of the transcendent purposes of the Islamic Republic. The tendency to luxury, in layers of those in power, can show a kind of non-Alawite rule, and the ungodly and unpopular policy of this style of behavior can create problems in achieving the goals of the Islamic Revolution. The present study tries to identify the harms of aristocratic tendency by using descriptive-analytical method and examining perspectives. Provide a clear definition of aristocracy and explore a way to eliminate this pest and avoid it; From the point of view of public culture, the development of public and media supervision and the placement of a simple biological element, as one of the main components for holding positions in the Islamic Republic, are among the objectives of this research.

Keywords

Islamic Republic, aristocracy, social justice, corruption, national security